

اعجاز تشریحی قرآن با تأکید بر آیه قصاص (بقره: ۱۷۹-۱۷۸)

طاهره ماهرزاده^۱، انیس کاظمی^۲

چکیده

قرآن کریم برترین و جامع‌ترین شریعت فرستاده شده از جانب خداوند برای سعادت و رستگاری انسان در دنیا و آخرت است. قوانین قرآن با عقل و فطرت سازگار است و به تمام جنبه‌های انسان توجه دارد و هیچ تناقضی ندارد. این مجموعه منسجم توسط شخصیتی درس‌نخوانده و بدون پیش‌زمینه‌های لازم، یعنی بدون استاد و تحقیق و مطالعه قبلی قوانینی در اوج ترقی بر مردمی به دور از تمدن عرضه شده است. همین ویژگی‌ها زمینه‌ساز اعجاز تشریحی قرآن است که در برخی آیات مثل آیه قصاص و رضاع (شیردادن دو سال به کودک) و قوانین مربوط به اموال یتیمان و غیره جلوه کرده است؛ در این پژوهش آیات قصاص، یعنی آیات ۱۷۸ تا ۱۷۹ سوره بقره با روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌شود و مهمترین مؤلفه‌های اعجاز تشریحی مانند عدم تناقض، توافق با عقل و فطرت، علم و جامعیت، بهره‌گیری از الفاظ کوتاه با معانی بلند، درس‌ناخوانده بودن آورنده آن و... در آیه قصاص مشخص می‌شود.

واژگان کلیدی: اعجاز قرآن، اعجاز تشریحی، قانون‌گذاری، جامعیت قرآن، آیه قصاص.

۱. مقدمه

قرآن کریم معجزه بزرگ پیامبر اسلام ﷺ است که اعجاز آن در ابعاد گسترده‌ای نمود دارد. یکی از این ابعاد که در سخنان و نوشته‌های برخی از دانشمندان به آن تصریح شده است حوزه قانون‌گذاری معجزه‌آسای آن است به این معنا که قوانین قرآن ویژگی‌هایی دارد که هیچ بشری قادر به عرضه هم‌آوردی برای آن نیست. دشمنان، معاندین و بیمار دلان همیشه در صدد ضربه زدن به اسلام و شرایع قرآن هستند به همین دلیل درباره این حکم قرآن شبهات بسیاری را مطرح کرده‌اند تا احکام قرآن را خدشه‌دار کنند. بنابراین، ضروری است تا جزئیات این قانون الهی تشریح شود. به نظر می‌رسد توجه به نکات اعجاز‌آمیز قانونی مانند قصاص که در چارچوب اعجاز تشریحی مطرح می‌شود به طور خاص کمکی به تشریح این وجه از

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علمی-تربیتی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

اعجاز قرآن می‌کند و به شکل عام منجر به تثبیت هر چه بیشتر کلیت اعجاز این کتاب آسمانی می‌شود. نظریه اعجاز تشریحی ریشه تاریخی دارد و دانشمندانی مانند باقلانی به آن اشاره کرده‌اند (باقلانی، ۱۴۲۱، ص ۴۷) ولی این بعد از اعجاز بیشتر در دوران معاصر مورد توجه بوده است. تأکید بر این بعد را برای نخستین بار در نوشته‌های علامه بلاغی می‌توان یافت. (بلاغی، ۱۴۲۰، ۱۳/۱) اعجاز تشریحی پس از وی در آثار علامه طباطبایی و آیت الله خوئی از شاگردان علامه بلاغی انعکاس یافت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۶۰؛ خوئی، ۱۴۳۰، ۷۲-۷۹). پس از این دو نیز در تألیفات اندیشمندانی مانند علامه معرفت به طور مبسوط‌تری بررسی شده است (معرفت، ۱۳۸۸، ۶/۲۱۱-۳۳۰؛ معرفت، ۱۳۸۱، ۳۵۷-۳۶۸).

هم زمان با علامه بلاغی، رشید رضا در تفسیر المنار یکی از وجوه اعجاز قرآن را اعجاز در علوم دینی و تشریح معرفی کرده است. (رشید رضا، ۱۴۲۱، ۱/۱۷۱) پس از وی زرقانی در معرفی چهارمین وجه اعجاز قرآن در بحث وفاؤه بحاجات البشر به زمینه‌های متنوع و مختلفی از تشریحات قرآن کریم اشاره می‌کند و برای اثبات آن به مقایسه میان احکام فردی و اجتماعی قرآن با قوانین مدون در کشورهای غربی می‌پردازد (زرقانی، ۱۳۶۲، ص ۳۴۱). در زمینه اعجاز تشریحی کتاب‌های مستقلی نوشته شده است مانند القرآن و اعجازه التشریحی از اسماعیل ابراهیم. در مورد آیه قصاص نیز پژوهش‌های بسیار و قابل تأملی صورت گرفته است، اما در موضوع اعجاز تشریحی در آیه قصاص پژوهش‌ها به صورت پراکنده است. پژوهش حاضر بر آن است تا به طور منسجم جزئیات زوایای این حکم الهی و پاسخ به این پرسش که آیا در تشریح حکم قصاص، وجه اعجاز تشریحی قابلیت تبیین و عرضه را دارد یا نه را بررسی کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. اعجاز

اعجاز از ماده عجز در لغت به معنای ضعف و ناتوانی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱/۲۱۵) اعجاز به معنی درنگ کردن و تأخیر از چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۷). در اصطلاح دینی، یعنی انسان چیزی را بیاورد که مخالف از آوردن آن ناتوان باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ۴/۲۴).

۲-۲. تشریح

تشریح از ماده شرع است که به معنی مسیر و راه آب (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱/۲۵۲) رسیدن و داخل شدن بر آب (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸/۱۷۵) و راه روشن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲،

ص ۴۵۰). تشریح در اصطلاح فقهی و قرآنی، یعنی نشان دادن راه مادی یا معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۴۱/۶). به احکام و قوانینی که راهنما و طریق معنوی انسان برای زندگی او هستند نیز تشریح می‌گویند. تشریح به معنای قانون‌گذاری نیز هست (مهیار، بی‌تا، ص ۲۳۱). در تناسب معنای لغوی و اصطلاحی شریعت می‌توان گفت همان گونه که آب باعث تداوم حیات جسمانی انسان می‌شود دسترسی به دستورات الهی نیز باعث تداوم حیات روحانی و ارتقای حیات جسمانی او می‌شود (بهجت پور، ۱۳۹۰).

۲-۳. اعجاز تشریحی

قرآن کتاب شریعت و آیینی است که برای اداره امور زندگی مادی، معنوی و هدایتی بشر و در راستای تأمین مصالح دنیوی و اخروی انسان‌ها نازل شده است. این کتاب در عالم، بی‌نظیر و در نهایت اعجاز است. قوانین قرآن ویژگی‌هایی دارد که هیچ بشری قادر به عرضه هم‌آوردی برای آن نیست که از آن به اعجاز تشریحی یاد شده است. (شاهد، ۱۳۸۸، ص ۶۱) انسان همیشه درباره چگونگی زندگی کردن در ذهنش سؤالاتی دارد و در پی پاسخ به آنهاست. پاسخ‌های انسانی همیشه ناقص بوده است و تمام جوانب زندگی انسان را در بر نمی‌گیرد، اما قوانین الهی در قرآن تمام ابعاد فردی، اجتماعی و الهی زندگی بشر را در نظر می‌گیرد. به همین دلیل از تمام قوانین بشری پیشرفته‌تر و عادلانه‌تر است.

۲-۴. قصاص

قصاص مصدر قاص، یقاص و از قص اثره، یعنی جاپای او را تعقیب کرد، آمده است. قصاص به معنی داستان سرانیز است. (بندرریگی، ۱۳۸۴، ۱۴۵۲/۲) قصه‌گوراهم به همین مناسبت قصاص می‌گویند که آثار و حکایات گذشتگان را حکایت می‌کند. اگر قصاص را قصاص نامیده اند برای این است که جانی را در جنایتش تعقیب می‌کنند و عین آن جنایت که او انجام داده است را بر او وارد می‌کنند. قصاص در فرهنگ و فقه قرآنی و اسلامی به معنای استیفای حقوق از سوی مجنی علیه یا اولیای او است، یعنی اگر جنایتی از ضرب و جرح و قتل بر شخصی وارد شده باشد قصاص کننده از جانی تبعیت کرده و اثری مانند او ایجاد می‌کند.

۳. مؤلفه های اعجاز تشریحی قرآن

۳-۱. نبود تناقض میان قوانین قرآن

دانشمندان اسلامی بر این نکته تأکید دارند که میان آیات قرآن از جمله آیات تشریح هیچ تناقضی نیست و به تمام مواردی که در آنها توهم اختلاف بوده است، پاسخ داده اند. (معرفت، ۱۳۸۹، ص ۲۹۵) علامه جعفری می نویسد:

برخی از مسیحیان و دیگر اشخاص خارج از اسلام که در صدد یافتن اختلاف و تناقض در قرآن هستند در حقیقت بی اطلاعی خود از قوانین ادبیات عرب و دیگر مسائل انسان شناسی و جهان بینی را ثابت کرده اند. (جعفری، ۱۳۹۲، ۴۸-۴۹)

از شبهه های مطرح شده درباره وجود تناقض در آیات قرآن که به آن استناد کرده اند این است که قرآن به رفتار نیکو با والدین امر می کند: «وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا؛ و در دنیا با آن دو به طور پسندیده هم نشینی کن» (لقمان: ۱۵) ولی در جای دیگر امر به ترک دوستی با دشمنان خدا را می کند، حتی اگر والدین باشند:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ
أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ...

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز بازپسین بیاورند، نمی یابی که با کسانی که با خدا و فرستاده اش به شدت مخالفت ورزند، دوستی کنند... (مجادله: ۲۲)

۳-۱-۱. رفع شبهه

با کمی تأمل در معنای ماده و مصاحبت معروف مشخص می شود که هیچ تناقضی در کار نیست. ماده و دوستی به معنای پیوند قلبی و محبت درونی است در حالی که مصاحبت معروف نوعی مدارا و سازش و خوش رفتاری است هر چند که ظاهری باشد. پس هیچ ملازمه ای بین خوش رفتاری ظاهری و محبت درونی نیست و ممکن است انسان با شخصی به نیکویی رفتار کند، اما پیوند قلبی با وی نداشته باشد. (معرفت و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹)

۳-۲. سازگاری قوانین قرآن با عقل

قوانین قرآن با عقل سلیم سازگاری دارد. برای مثال قرآن کریم هماهنگ با حکم عقل، تکلیف بما لا یطاق و عقاب بلا بیان رانفی کرده است و می فرماید: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ اگر چه هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کنیم» (بقره: ۲۳۳). سازگاری بین عقل و شرع در لسان دانشمندان امامیه يك قانون است.

۳-۳. سازگاری قوانین قرآن با فطرت

سازگاری احکام قرآن با فطرت انسان را می‌توان در تمام قرآن دید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

پس روی خود را به دین، حق گرایانه راست دار و پیروی کن از سرشت الهی که خدا مردم را بر اساس آن آفریده که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست. این دین استوار است، ولی بیش تر مردم نمی‌دانند. (روم: ۳۰)

۳-۴. توافق قوانین قرآن با علم

تشریح‌های قرآن با دستاوردهای علمی سازگاری کامل دارد و از یک پشتوانه علمی غنی برخوردار است. بسیاری از این دستاوردهای علمی در دوران معاصر کشف شده‌اند در حالی که تشریحات قرآن چهارده قرن پیش عرضه شده است، یعنی تشریحات قرآنی بدون کمک گرفتن از آموزه‌های بشری عرضه شده است.

۳-۵. جامعیت قوانین قرآن

قوانین قرآن به گونه‌ای است که همه ابعاد زندگی انسان را در بر گرفته و در هر زمان و مکانی پاسخ‌گوی نیازهای بشر است. قوانین بشری به سه جنبه شخصی، اجتماعی و محیطی انسان نظر دارد و بر مبنای همین سه جنبه پایه‌ریزی شده است در حالی که انسان علاوه بر سه جنبه مذکور جنبه الهی نیز دارد. یکی از ابعاد انسان بعد ارتباطی او با خدای متعال است. هنگام قانون‌گذاری لازم است که به این جنبه انسانی توجه ویژه شود و قوانینی با توجه به همه این ابعاد، کامل و جامع عرضه شود. بنابراین، نادیده گرفتن این بعد از شخصیت انسان باعث می‌شود تا قوانین تدوین شده نتوانند سعادت شخص را تضمین کنند و مانع رسیدن به سعادت وی نیز می‌شوند. (معرفت، ۱۳۸۸، ۶/۲۱۳)

۳-۶. عرضه و نهادینه شدن قوانین آن در مدت بسیار کوتاه

قوانین بشر بعد از گذشت قرن‌های متمادی از طریق آزمایش و خطا و با کسب تجربیات فراوان به وجود آمده‌اند. برای مثال در زمان عرضه قرآن تنها قانون جامعی که توسط بشر به وجود آمده بود قانون روم بود که در مدت هزار و سیصد سال شکل گرفته بود. این در حالی است که قرآن قوانین جامع و کامل خود را تنها در مدت بیست و سه سال عرضه کرد. (معرفت،

۱۳۸۸، ۶/۲۱۸، به نقل از ابوزید، ص ۴۵۵) قرآن کریم در این مدت به عرضه قوانین اکتفا نکرد بلکه آنها را به مرحله اجرا درآورد و قانون خود را در اجتماع نهادینه کرد به گونه‌ای که پس از گذشت قرن‌ها همچنان در میان اقوام مسلمان جایگاه خود را حفظ کرده است. این امر جلوه دیگری از اعجاز قرآن است؛ زیرا نهادینه کردن قوانین جدید و تبدیل آن به یک فرهنگ عمومی در مدت بیست و سه سال امری بی نظیر است. با نگاهی به سیر نزول قرآن می‌توان رمز تأثیر گذاری و نهادینه شدن تشریحات قرآن را کشف کرد. قرآن کریم در فرایندی هوشمندانه ابتدا زمینه‌ها و پیش نیازهای لازم را در ظاهری ملایم و زیبا در اجتماع ایجاد می‌کند و سپس قوانین را به تدریج و در سیری منطقی عرضه می‌کند.

۳-۷ عرضه آن از زبان شخصی درس ناخوانده

ارائه مجموعه ای از قوانین منسجم و جامع نیازمند سال‌ها تحصیل و تحقیق و مطالعه است، ولی به گواهی تاریخ پیامبر اسلام ﷺ شخصیتی درس ناخوانده بود و این قوانین مترقی بدون هیچ گونه پیش زمینه مطالعاتی بر زبان ایشان جاری شد که امری خارق عادت است. از طرف دیگر سرزمین حجاز سرزمینی دور از تمدن بود و امکان تحصیل و تحقیق را منتفی می‌کرد. پیامبر گرامی اسلام در زمان ارائه قرآن به طور مداوم گرفتار انواع تهدید و تحریم و جنگ و نفاق در میان امت بود و بسیاری از عمر خود را صرف سامان دادن مشکلات کرد و فرصت کافی برای تحصیل و تحقیق در مورد سایر قوانین را نداشت.

نویسنده مصری محمد ابوزید صاحب کتاب المعجزه الکبری می نویسد:

قوانین روم پس از گذشت هزار و سیصد سال تدوین شد در حالی که حضرت محمد ﷺ آمد و قرآنی را به همراه داشت که دربرگیرنده روابط اجتماعی و تنظیم نظام فردی و اجتماعی انسان بود و هیچ مثل و مانندی برای این قوانین نبود. این در حالی بود که وی در سرزمینی دور از تمدن مبعوث شده بود و هیچ درسی نخوانده بود. (به نقل از معرفت، ۱۳۸۸، ۶/۲۱۸)

در عصر نزول قرآن هیچ مجموعه قانونی نبود که همه ویژگی‌هایی که بیان شد را داشته باشد تا بتواند الگویی برای پیامبر ﷺ باشد. تنها قانون قابل توجه، قانون رایج در بین قوم یهود و روم باستان بود، اما با نگاهی گذرا به این دو قانون فاصله آنها با قوانین مترقی اسلام روشن می‌شود. نظریه اعجاز تشریحی مبتنی بر جمع میان این ویژگی‌هاست. می‌توان نظریه اعجاز تشریحی را در قالب قضیه ای منطقی به شکل زیر بیان کرد:

- صغرا: تشریحات قرآنی میان ویژگی های مذکور جمع کرده است.

- کبرا: جمع میان ویژگی های مذکور امری شگفت انگیز است.

- نتیجه: تشریحات قرآنی امری شگفت انگیز هستند.

توضیح اینکه محتوای تشریحات قرآنی به دلیل عدم تناقض، توافق با عقل، فطرت و علم و جامعیت در سطح بالایی است. همچنین به دلیل کوتاه بودن زمان عرضه، درس ناخوانده بودن آورنده آن و فقدان زمینه های لازم در نامساعدترین شرایط بوده است. جمع میان این ویژگی ها امری شگفت انگیز است، پس کتابی که چنین تشریحاتی را در خود داشته باشد کتابی شگفت انگیز است و با توجه به هماهنگی با ادعای نبوت و تحدی تعریف اعجاز بر آن صدق می کند. حد وسط در نظریه اعجاز تشریحی جمع میان ویژگی هاست نه وجود برخی ویژگی ها. بنابراین، وجود برخی قوانین که مشابه قوانین قرآن باشند خللی به اعجاز تشریحی قرآن وارد نمی کند؛ زیرا هیچ یک از این قوانین میان همه این ویژگی ها به طور کامل جمع نکرده است.

۴. بررسی مؤلفه های اعجاز تشریحی در آیات ۱۷۹-۱۷۸ سوره بقره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْقَرْبَى بِالْحَرْوِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاؤُهُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اغْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ، وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید حکم قصاص درباره کشتگان بر شما مقرر شده است. آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و کسی که از برادر دینی او چیزی از قصاص به او بخشیده شود، پس راه پسندیده در پیش گیرد و به نیکی خون بها را به او بپردازد. این تخفیف و رحمتی از طرف پروردگارتان است و کسی که بعد از آن تجاوز کند، پس عذابی دردناک برایش خواهد بود و ای خردمندان! برای شما در قصاص زندگانی است تا شاید شما خود نگه دار باشید. (بقره: ۱۷۸-۱۷۹)

۴-۱. سازگاری حکم قرآنی با عقل

روی سخن قرآن در این آیه با خردمندان است و می فرماید: «يَا أُولِي الْأَلْبَابِ». قرآن مسئله را به گونه ای بیان می کند که هر فرد خردمندی آن را تصدیق می کند. قرآن می فرماید اجرای قانون قصاص، ضامن بقای حیات است و فایده وجود چنین قانونی را پرهیزگارشدن آنها معرفی می کند: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه می فرماید:

این حکم هم موجب حیات کسی است که قصد جاننش شده است و هم موجب حیات کسی است که قصد جان دیگری را دارد و هم موجب بقای حیات کل جامعه است؛ زیرا با وجود چنین عاقبتی هیچ کس جرأت انجام قتل را پیدا نمی‌کند. (طبرسی، ۱۳۸۳، ۲/۳۱۹)

از کلام امام می‌توان دریافت که اثر مهم قانون قصاص، بازدارندگی آن است، یعنی اگر همه افراد جامعه بدانند که این قانون به طور کامل و دقیق اجرا می‌شود و راه‌گریزی از آن نیست هیچ کس به سراغ چنین جنایتی نمی‌رود و هرگز نوبت به قصاص نمی‌رسد اگرچه همیشه گروه اندک کم‌خردی هستند که بدون توجه به عاقبت کار جنایت می‌کنند، ولی وجود برخی افراد سرکش به معنی بی‌اثر بودن حکم نیست؛ زیرا این حکم در صورت اجرای دقیق و بدون نقص آن نسبت به افراد جامعه بازدارندگی لازم را دارد. در مقام تزاخم بین بقای حیات یک قاتل و بقای حیات کل افراد جامعه از جمله کسی که بدون وجود چنین قانونی تبدیل به قاتل می‌شود، عقل بی‌گمان دومی را مقدم می‌دارد.

۴-۲. سازگاری تشریح با فطرت انسانی

قرآن در بحث قصاص هرگز از رعایت جانب مروت و برادری غافل نشده است و قاتل را به عنوان برادر معرفی می‌کند: «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ» . با توجه به اینکه فطرت بشری بیش از آنکه با قتل و موت آشنا باشد با حیات و عفو آشناست، قرآن هنگامی که می‌خواهد از قتل صحبت کند واژه قتل را به صورت مستقیم نمی‌آورد و از واژه قصاص استفاده می‌کند که از ریشه قص به معنای پی‌گیری است. عرب به انتهای رستنگاه مو، قصاص به کسر و رفع و فتح قاف می‌گوید؛ زیرا رویش مو به آن قسمت منتهی می‌شود. (بندر ریگی، ۱۳۸۴، ۲/۱۴۵۲) در این آیه فقط کلمه قتل بار معنایی منفی دارد. لفظ قصاص که هیچ بار معنایی مثبت یا منفی ندارد در مقابل هفت کلمه با بار معنایی مثبت به کار رفته است که عبارتند از: عفو، اخیه، معروف، احسان، تخفیف، رحمت و حیات. اگر به این هفت کلمه، سه کلمه منفی در فراز زیر اضافه شود به دلیل سیاق منفی فراز، بار معنایی مثبت پیدا می‌کنند: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَهُ عَدَاۗءٌ أَلِيمٌ». مراد از تعدی اموری مانند قتل پس از عفو، زیاده روی در اجرای قصاص، قصاص دیگری به جای قاتل و امثال آن است (طبرسی، ۱۴۲۷، ۱/۴۸۰). این فراز در مقام حمایت از حقوق قصاص شونده است و معنای مثبتی دارد، پس تنها در مقابل يك کلمه با بار معنایی منفی ده کلمه با بار معنایی مثبت آمده است.

۴-۳. برتری و بی سابقه بودن قانون قرآن

با مقایسه این قانون قرآنی با زمان جاهلیت، برتری قانون قرآن و بی سابقه بودن آن روشن می‌شود. مردم عصر جاهلیت ملتزم به قصاص شخص قاتل نبودند و اگر قاتل از نظر شرافت، درجه پایینی داشت به جای او شخص شریفی از قبیله وی را قصاص می‌کردند تا به این ترتیب بر عظمت قبیله خود بیفزایند. (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۸۱/۴) جاهلیت حتی پس از مصالحه بر دیه اگر قاتل را می‌گرفتند، می‌توانستند وی را بکشند و دیه گرفته شده را پس دهند (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۷۳/۱). از همه بالاتر اینکه آنان ملتزم به توافق جرم و جزاء از نظر عدد نبودند و دیده می‌شد که گاه در ازای قتل یک نفر، ده نفر از قبیله قاتل را می‌کشتند (مغنیه، ۱۴۲۴، ۲۷۵/۱). قوانین قوم یهود نیز علاوه بر نژادپرستانه بودن مانند قانون قرآن کامل نبود؛ زیرا در قانون یهود چیزی به نام دیه نبود و ولی دم تنها بین قصاص یا عفو اختیار داشت (طبرسی، ۱۴۲۷، ۳۰۸/۳). در حالی که به گفته مفسران، این فراز از آیه به حکم دیه اشاره دارد: «عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٍ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» (طبرسی، ۱۴۲۷، ۴۸۰/۱).

۴-۴. مشهود بودن مبانی تشریح

در این قانون قرآنی مبانی تشریح نیز دیده می‌شود و خداوند را پشتوانه عمل به این قانون معرفی می‌کند: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ». این قانون کرامت ذاتی انسان را رعایت کرده است، آنجا که مخاطبین را با نام خردمندان خطاب می‌کند و این حکم را مایه حیات آنان می‌داند. این قانون را در راستای پاسداری از بزرگ‌ترین حق انسان، یعنی حق حیات معرفی می‌کند. تقدم اخلاق بر اجرای حکم کیفری نیز در این تشریح دیده می‌شود آنجا که از قاتل با عنوان برادر یاد می‌کند و سخن از عفو و گذشت دارد. از طرف دیگر این تشریح عدالت کامل را مد نظر دارد؛ زیرا در اجرای حکم دستور به رعایت تساوی بین جرم و جزا دارد و نسبت به تجاوز از حد هشدار می‌دهد: «الحر بالحر».

۴-۵. مسئولیت انسان نسبت به رفتار خود و جامعه

مسئول بودن انسان نسبت به رفتار خود و جامعه در این قانون در نظر گرفته شده است؛ زیرا علت بر خوردن با قاتل را بقای حیات اجتماع معرفی می‌کند و این به این معناست که قاتل علاوه بر جرم شخصی، جرم عمومی نیز مرتکب شده است که اگر با آن برخورد نشود باعث فساد جامعه

می‌شود. همچنین عدم کیفر دیگری به جای فرد خطاکار نیز در آیه آمده است: «فَمَنْ اغْتَدَى بِعَدَاكَ»، مفسران یکی از مصادیق را قصاص دیگری به جای قاتل بیان کرده‌اند. (طبرسی، ۱۴۲۷، ۸۰/۱) قانون قصاص از نوع قوانین عادی نیست بلکه جامع و خالی از هرگونه تناقض و سازگار با عقل و فطرت است. عرضه چنین قانون جامعی پیش نیازهای دانشی و تجربی فراوانی را می‌طلبد که هرگز در زمان نزول قرآن نبوده است. بنابراین، می‌توان گفت که عرضه چنین تشریعاتی خرق عادت و نمودی روشن از اعجاز قرآن است.

خداوند در آیه ۱۷۹ سوره بقره دو مسئله دیگر را به عنوان عاملی در تشریح قانون قصاص مطرح می‌کند. در این آیه آمده است که تشریح حکم قصاص در راستای ایجاد بستری برای تقوای خردمندان و پرهیز ایشان از ارتکاب پلشتی و پلیدی مانند قتل و جنایت است؛ زیرا هنگامی که انسان خردمند درمی‌یابد که هر قتل عمدی موجب قتل خود وی به عنوان جزا و مکافات عمل وی می‌شود، چنین پلشتی و پلیدی را مرتکب نمی‌شود. از این عمل به تقوا تعبیر می‌شود؛ زیرا یکی از کاربردهای اصلی تقوا در فرهنگ قرآنی پرهیز و اجتناب از بزه‌های عقلانی و عقلایی است. از دیگر پاسخ‌های قرآن در برابر پرسش چرایی تشریح قانون قصاص این است که تشریح حکم قصاص برای رعایت عدالت، انصاف و خودداری از زیاده‌روی و اسراف در خون خواهی است؛ زیرا خشم و غضب اولیای دم در صورت عدم پاسخ‌گویی درست و مناسب به موضوع می‌تواند آنان را جریحه‌دار کند و قتل‌های قبیله‌ای و جنگ‌های خونین به راه اندازد. قصاص پاسخ‌گویی مناسب برای تعدیل این خشم است.

۵. بیان لطایف جمله «و لکم فی القصاص حیاه»

قبل از آنکه قرآن این جمله را درباره قصاص بیان کند بلغای دنیا درباره قتل و قصاص کلماتی داشتند که از بلاغت و متانت و اسلوب و نظم آن بسیار تعریف می‌کردند و لذت می‌بردند مثل این سخن: «کشتن بعض افراد احیا همه است» و «زیاد بکشید تا کشتار کم شود» و از همه قابل قبول‌تر این جمله بود که می‌گفتند: «القتل انفی للقتل؛ کشتن مؤثرترین عامل است برای از بین بردن کشتار».

۵-۱. استفاده از الفاظ کوتاه با معانی بلند

این آیه همه آن کلمات بلیغ را از یاد برد و همه را عقب زد؛ زیرا جمله «و لکم فی القصاص حیاه» از همه آن کلمات کوتاه‌تر و تلفظش آسان‌تر است و با استفاده زیبا از صنعت ایجاز، یعنی کاستن الفاظ و برخورداری از معانی بلند برتری آن بر دیگر جمله‌ها نمایان است.

۵-۲. قصاص ضامن حیات

این آیه با همه کوتاهی‌ش نتیجه قصاص و حقیقت مصلحت را بیان می‌کند که حیات است و همین کلمه حیات حقیقت آن معنایی را که نتیجه را افاده می‌کند، متضمن است؛ زیرا قصاص است که سرانجام به حیات می‌انجامد نه قتل؛ زیرا در بسیاری موارد شخصی را به جای قاتل می‌کشند که بی‌گناه بود و چنین کشتنی مایه حیات نمی‌شود. برخلاف کلمه قصاص که هم شامل کشتن می‌شود و هم شامل انحاء دیگری از انتقام، یعنی مواردی که در قصاص غیر قتل وجود دارد، علاوه بر این کلمه قصاص معنای زایدی را افاده می‌کند و آن معنا، متابعت و به دنبال بودن قصاص از جنایت است و به همین جهت قصاص قبل از جنایت را شامل نمی‌شود، به خلاف جمله (قتل موثرترین عامل در جلوگیری از قتل است) که این جمله شامل قصاص قبل از جنایت می‌شود. جمله مورد بحث متضمن تحریک و تشویق هم هست؛ زیرا دلالت می‌کند بر اینکه شارع یک حیات و زندگی را برای مردم در نظر گرفته است که خود از آن غافلند و اگر قصاص را جاری کنند مالک آن حیات می‌شوند، پس باید این حکم را جاری کنند و آن حیات کذایی را صاحب شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۶۵۶)

۵-۳. رعایت مصلحت عموم

آغاز آیه بالکم به معنی برای شما، بیان گر عنایت ویژه به حیات انسانی است و در حکم قصاص چنان حکمت بلندی است که جز حفظ منافع مردم و رعایت مصلحت عموم چیز دیگری نیست و نیز تنها تسلی خاطر اولیای دم داغدار نیست و اگر مردم به این دستور عمل کنند همه منافع آن به خود آنان برمی‌گردد.

۵-۴. هم آوایی حروف

حروف به کار رفته در این آیه سنخیت و هم آوایی کاملی دارند، یعنی حروف آن به بالا اوج می‌گیرد، سپس به سوی پایین فرود می‌آید و در مرحله سوم دوباره به شدت روبه بالا می‌رود. «فی القصاص حیا». توضیح آنکه حروف ق، ص از حروف استعلا هستند، ولی حرف ق با حرف تادرواژه قتل در جمله «القتل انفی للقتل» هماهنگی ندارد؛ زیرا حرف تادرواژه حروف منخفضه است. همچنین انتقال از حرف ص به حرف ح در واژه حیات از انتقال از حرف لام به حرف همزه در واژه قتل آسان تر است. از سوی دیگر تلفظ پشت سر هم سه حرف ص، ح، ت لطافت و نیکویی دارد در حالی که در تکرار تلفظ به حروف ق، ت چنین حسنی نیست. (معرفت، ۱۳۹۶، ۵/۸۰)

۵-۵. جمع دوزد با کاربرد آرایه طباق

در آیه شریفه آرایه طباق است و میان دو واژه ضد، قصاص که به قتل اشاره دارد و حیات جمع شده است. جالب است که این آیه از آرایه طباق به شکل بدیع و لطیفی استفاده کرده است؛ زیرا در این آیه یک ضد زمینه ساز، ضد خود است به ویژه که در این جمله قصاص معرفه، یعنی با الف و لام آمده و کلمه حیات نکره آمده است تا دلالت کند بر اینکه نتیجه قصاص و برکات آن دامنه دارتر و عظیم تر از آن است که بازبان گفته شود. (معرفت، ۱۳۹۶، ۸۰/۵)

۶. نتیجه گیری

اعجاز در قرآن و جوه مختلفی دارد که یکی از مهمترین آنها اعجاز تشریحی است، یعنی ناتوان بودن بشر از هم آوردی با تمام قوانین قرآن. در این پژوهش برای به دست آوردن اعجاز در تشریحات قرآنی، مؤلفه ها و ویژگی های این نوع از اعجاز بررسی شد. نتیجه به دست آمده از این بررسی نشان می دهد که محتوای تشریحات قرآنی به دلیل عدم تناقض، توافق با عقل، فطرت و علم و جامعیت قرآن در سطح بسیار بالای قرار دارد. همچنین به دلیل کوتاه بودن زمان عرضه، درس ناخوانده بودن آورنده آن و فقدان زمینه های لازم در نامساعدترین شرایط عرضه شده است و دلالت بر اعجاز دارد. جمع میان این ویژگی ها امری شگفت انگیز است. کتابی که چنین تشریحاتی را در خود دارد کتابی شگفت انگیز است و با توجه به مقرون بودن با ادعای نبوت و تحدی تعریف اعجاز بر آن صدق می کند. با انطباق این ویژگی ها در آیات ۱۷۸-۱۷۹ سوره بقره که پیرامون قانون قصاص است و با پرداختن به لطایف و نکات ادبی آن اعجاز تشریحی در این آیات هم از نظر محتوا و معنا و هم از جنبه ظاهری و لفظی حاصل شد و نتیجه مطلوب و مورد نظر این پژوهش که همان تشریح دلالت اعجاز تشریحی در آیات ۱۷۹-۱۷۸ سوره بقره یا قانون قصاص به شکل خاص است به دست آمد که در نهایت به طور عام منجر به اثبات کلیت اعجاز قرآن به عنوان کتاب آسمانی شد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: انتشارات دار الصادر.
۱. بهجت پور، عبدالکریم. معرفت، حامد (۱۳۹۰) *اعجاز تشریحی. قرآن و علم*، شماره ۸، ۷۶-۴۱
۲. جعفری، محمد تقی (۱۳۹۲). *قرآن نماد حیات معقول*. تهران: مؤسسه تدوین آثار استاد علامه جعفری.
۳. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵). *مرزهای اعجاز*. تهران: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
۵. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور*. قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی.
۶. شاهد، ریس اعظم (۱۳۸۸). *اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. طبرسی، ابومنصور (۱۳۸۶). *الاحتجاج*. قم: ناشر اسوه.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۷). *مجمع البیان*. بیروت: دار المرتضی.
۱۰. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). *کتاب العین*. قم: انتشارات هجرت.
۱۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. معرفت، محمد هادی (۱۳۹۶). *ترجمه التمهید فی علوم القرآن اعجاز بیانی*. مترجمان: نصیری، علی؛ معرفت، حامد. قم: مؤسسه تمهید.
۱۴. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱). *علوم قرآنی*. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۱۵. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۹). *نقد شبهات حکیم باشی ورستمی و خرقانی*. قم: تمهید.
۱۶. مهبیار، رضا (بی تا). *فرهنگ ابجدی عربی-فارسی*. بی جا: نشر اسلامی.